

مجله ی مطالعات ایرانی
مرکز تحقیقات فرهنگ و زبان های ایرانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان
سال دوم، شماره ی چهارم، پاییز ۱۳۸۲

زرتشت و تربیت* (علمی - پژوهشی)

عباسعلی رستمی نسب
مرئی دانشگاه شهید باهنر کرمان

چکیده

مقاله ی حاضر به منظور بررسی اندیشه های تربیتی در آیین زرتشتی نوشته شده است. نگارنده ابتدا به زندگی زرتشت، جهان شناسی و انسان شناسی در مکتب وی پرداخته و سپس هدف های تربیتی این آیین را معرفی نموده است. آنگاه، اصول تعلیم و تربیت زرتشت، بر اساس یسنا، در ۱۱ اصل معرفی شده است. از مهمترین نتایج این گفتار آن است که در تعلیمات این مکتب توجه به دنیا، اجتماع و انسان اهمیت فراوان دارد. این تعالیم می توانند سلامت و سعادت روحی و روانی انسان را در دو جهان فراهم نمایند، اما متأسفانه نظرات زرتشت، در دنیای کهن بیشتر در حوزه ی نظریه باقی ماند و فرصت بهره گیری عملی از آنها را طبقات قدرتمند و حاکم، با اهدافی ویژه از این مکتب سلب نمودند.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۲/۱/۱۹ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۸۲/۷/۱۵
نشانی پست الکترونیک نویسنده: —

واژگان کلیدی

زرتشت، تربیت، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، اهداف تربیتی، اصول تعلیم و تربیت، روش‌های تربیتی، تعلیمات و مواد آموزشی.

۱- عصر زرتشت

آیین زرتشتی یا مزدیسنا Mazdyasna منسوب به زرتشت است که در اوستا به صورت زرتشتَر از او یاد شده است. بعضی زرتشت‌ره را دارنده‌ی شتر پیر ترجمه کرده‌اند (رضازاده‌ی شفق، ۱۳۳۵، ص ۱۲۶).

زمان زندگی وی را از ششصد سال قبل از میلاد قدیمی‌تر نمی‌دانند (اصفهانی، ۱۳۶۹، ص ۴۵). به حدس می‌توان گفت وی پیش از هخامنشیان می‌زیسته، البته پیروان زرتشت بر این عقیده‌اند که او در ۵۸۸ قبل از میلاد زندگی می‌کرده است. ریچارد فرای برای زندگی و مرگ زرتشت ۶۲۸-۵۵۱ ق.م. را بهترین فرضیه می‌داند (فرای، ۱۳۷۵، ص ۵۴-۵۳).

با توجه به کتاب بند هشن و نظریه‌ی هنینگ (Hanning) تاریخ تولد زرتشت سال ۶۱۸ یا ۶۲۸ یا ۶۳۰ پیش از میلاد بوده است و چون زرتشت بنا به روایت‌های مذکور در کتاب‌های پهلوی، ۷۷ سال عمر کرده است، سال وفات او را در ۵۴۱ یا ۵۵۱ یا ۵۵۳ ق.م. می‌دانند و به نظر شهبازی و هرتسفلد تاریخ تولد وی ۵۶۹ ق.م. است.

هومباخ نظر شهبازی در انتخاب سال ۶۰۰ را مرجح می‌داند، اما معتقد است که این عدد سرو است، تاریخ واقعی نیست. به طور کلی آنچه در باب تاریخ تولد و وفات زرتشت محاسبه و بیان شده است، زمان دقیق نیست (آموزگار، ۱۳۷۰، ص ۱۳-۱۸).

عصر زرتشت گویا برابر باشد با دورانی که صفت آشکار آن به پایان رسیدن عصر اساطیر خدایان و آغاز سرودن داستان‌های حماسی و دوران پهلوانی ایران است. عصر ظهور زرتشت، عصر پرستش پدیده‌های مختلف و عناصر گوناگون طبیعی بوده و خدای بنی اسرائیل، یهود محافظ دوازده قبیله‌ی بنی اسرائیل،

پرستش می شده است. "یهوه خدای مورد قبول بنی اسراییل بوده و از آن صنم و بت نمی ساختند (آشتیانی، ۱۳۷۴، ص ۱۱۹)". زرتشت در نواحی شرقی ایران در یک جامعه ی شبانی و نیمه روستایی به عنوان سراینده ی سرودهای دینی شهرت داشته و از طبقه ی روحانیون بوده است (زرّین کوب، ۱۳۶۴، ص ۵۱). او در سنت های مغان اصلاحاتی به عمل آورد. در جهان بینی زرتشت اندیشه های میترایسیم و زروانی با افکار او به گونه ای پربار در هم آمیخت و از همینجا است که سنت علمی در ایران زمین تشخیص، هدایت و جریان یافته است (فرشاد، ۱۳۶۶، ص ۶۲).

درباره ی محل تولّد زرتشت اختلاف نظر است. گروهی آذربایجان و گروهی دیگر باکتريا (بلخ) را زادگاه وی می دانند. وی از قرار معلوم در غرب ایران متولّد شده و در شرق به دعوت خود پرداخته است (ناس، ۱۳۷۰، ص ۳۰۳).

در منابع پهلوی و به دنبال آنها در کتاب های عربی و فارسی، «ایرانویج» یعنی سرزمین اصلی ای که اقوام ایرانی از آنجا برخاسته اند و بنا به روایات دینی زرتشتی، در آنجا دین به زرتشت ابلاغ شده است با آذربایجان یکی شمرده است، امروزه دانشمندان انتساب زرتشت به آذربایجان را مردود می دانند. از مدّت ها پیش دانشمندان ایران شناس، ایرانویج را همان خوارزم به شمار آورده اند. نیولی این نظریه را رد می کند، زادگاه زرتشت را در ناحیه ای میان هندوکش و هامون هیرمند می داند (آموزگار، ۱۳۷۰، ص ۲۱).

در خصوص وفات او گفته اند خود زرتشت به سن پیری رسیده، معزز و محترم می بود، تا در هجوم دوم تورانیان در بلخ کشته شد. روایت مرگ او چنین است که در پرستشگاه، هنگامی که مریدان دور او را گرفته بودند، در گذشت (سایکس، ۱۳۳۰، ص ۱۳۷).

«نیبرگ معتقد است که موطن اصلی زرتشت خوارزم بوده است و گاتاها در شهر ری یا راگا نوشته شده است...» بارتولومه زادگاه زرتشت را شمال غربی ایران می داند و اعتقاد دارد که وی مکتب خود را در آذربایجان پایه گذاری کرده و آنگاه به شمال خراسان فرار نموده است (آشتیانی، ۱۳۷۴، ص ۵۴).

زرتشت پیک راستی و نیکویی و دشمن جادو، افسون، دروغ و باطل بوده است. اهریمن برای نابودی زرتشت حيله ها کرد، ولی هر حيله ای با شکست روبه رو شد. آتش او را نسوزانید. گاو او را زیر پا نهدانند، بلکه حافظ وی شدند و گرگان او را ندریدند، بلکه نگهدارنده اش کردند.

زرتشت دوران کودکی و جوانی را به کسب علم و دانش پرداخت. درباره ی اسرار طبیعت به تفکر می پرداخت. هنگامی که تورانیان به ایران تاختند، در جنگ شرکت کرد. او ابتدا در صف جنگاوران بود و بعداً به مداوای مجروحان پرداخت. همواره به رهایی مردم از چنگال فقر، دروغ، کژی و زشتی می اندیشید. جنگ و خونریزی و بینوایی بینوایان او را می آزد. لذا همواره در فکر زندگی، آبادانی و زیبایی بود. بدین منظور، مدتی خانه و کاشانه را رها کرد و در کوه اوشیدرن (سبلان) انزوا گزید تا در اثر تفکر راهی برای رستگاری و نجات بیابد. در این هنگام او بیست ساله بود. ده سال به تفکر پرداخت. در این مدت خواب و خوراکش کم بود و از میوه ها و ساقه ی گیاهان تغذیه می کرد. در نتیجه ی این اعمال، فریب اهریمن را نخورد و در اثر تقوا و پرهیزگاری به درجه ای رسید تا از جانب اهورا مزدا به او وحی شود و به تمام رازها پی ببرد. او دریافت که بر جهان دو نیرو حکومت می کند. Spantaminu یا خیر، و Angramainu یا شر (اهریمن)، و برایش آشکار شد که مردم چه راهی را بایستی پیشه کنند، تا از همه ی رنج ها رهایی یابند. سپس، از کوه به میان مردم آمد و اصول خوشبختی را مطرح کرد (رضایی، ۱۳۶۸، ص ۱۲۸).

۲- جهان شناسی

در اندیشه های هستی شناسی او، خدا آغاز و انجام همه چیز است و جهان را با نور خود فروغمند ساخته (یسنای ۳۱، بند ۷) و از همه چیز آگاه است (یسنای ۳۱، بند ۱۳).

بین خیر و شر در جهان تنازع وجود دارد تا جایی که در نبردگاه هستی پیروزی نهایی با نیکي است (یسنای ۴۴، بند ۱۵).

اهورا مزدا طبق مضامین اوستا، بالاترین قدرت جهان هستی است. اهورا مزدا توسط شش موجود دیگر که همگی دستیاران او هستند، احاطه شده و این موجودات شش گانه امشاسپندان نامیده می شوند و پس از اهورامزدا، مقدس ترین موجودات در مذهب زرتشت هستند. اسامی امشاسپندان بدین قرار است:

- ۱- وهو مینو یا خردنیک (بهمن). ۲- اشاوہیشتہ یا بهترین پرهیزگار (اردیبهشت). ۳- خستراویرا یا قدرت کامل (شهریور). ۴- سپنتا آرمیتی یا مظهر فروتنی (اسفندارمذ). ۵- هه اورتات یا بهبود کامرانی (خرداد). ۶- امرتات یا زندگی دراز و ضد مرگ (امرداد) (اصفہانی، ۱۳۶۹، ص ۵۹).

۳- انسان شناسی

در اندیشه های انسان شناسی او، انسان موجودی صاحب عقل و خرد است. روح انسان دارای حالت واسطه است که هنگام حیات در بدن انسان به سر می برد و پس از مرگ به مبدأ اصلی خود که وجود ماوراء جهان خاکی است، می پیوندد و هر فرد دارای دئای^(۱) خود می باشد (آشتیانی، ۱۳۷۵، ص ۲۵۹).

انسان آزاد و مختار آفریده شده و تحت تأثیر آموزش و تلقینات دیگران قرار می گیرد (یسنای ۳۱، بند ۱۲). صاحب وجدان است (یسنای ۴۵، بند ۵). در فضای راستی از مردم فریبان می پرهیزد (یسنای ۳۰، بند ۶). تعالیم الهی را درک می کند. کمال و ثمره ی نهایی استعدادهایش رسیدن به خدا و محو شدن در او است (یسنای ۳۴، بند ۱۳). دارای اراده ای قوی است (یسنای ۴۸، بند ۴). به هر چه می خواهد در سایه ی تلاش و کوشش (یسنای ۳۱، بند ۱۰)، پیروی از نظم آفرینش و هنجار هستی (یسنای ۳۳، بند ۱) و قوانین اهورامزدا، می رسد. پاداش و کیفر انسان ها در جهان آخرت (یسنای ۴۶، بند ۸) با ترازوی عدالت داده می شود و هر کس مسئول اعمال خویش است. زیرا همه ی این امکانات در وجود وی نهاده شده است. در عین حال، انسان موجودی اجتماعی است و خوشبختی او در گرو بیداری و خردمندی همه ی اقشار جامعه است (یسنای ۴۹، بند ۱). همانا زرتشت از آغاز حتمی آخرین دوران جهان سخن به میان می آورد و در آن نیک و بد را از یکدیگر جدا می کند و همه را به راندن دروغ و برقرار ساختن و بنیان

نهادن ملکوت خداوند دعوت می نماید. در پیشگاه وی، همه ی مردم برابرند. او مردم جهان را دعوت کرد تا از این راه، بهشتی را که در آن شیر جاری است، از نو در زمین پدیدار کند (فرای، ۱۳۷۵، ص ۵۳).

بعضی عقیده دارند که زرتشت اعتقاد به یک خدای واحد و خالق و حافظ تمام عالم و پدیده های هستی را ترویج کرد. این خدا وابسته به قوم و ملت خاصی نیست، در معبد و مکانی جای ندارد و خالق جهان و جهانیان است. (آشتیانی، ۱۳۷۴، ص ۱۱۹) و انسان در عین اهمیت دادن به طبیعت و عناصر آن، نیاستی مقام مهر را در حدّ اهورامزدا بداند، بلکه هر موجودی بر اساس اهمیتش مورد احترام و تقدیس است. در اوستا زرتشت به عنوان نجات دهنده، از طرف اهورامزدا مأمور تصفیه ی مذاهب ایرانی از پرستش خدایان متعدّد و ساحری و تشریفات زاید مذهبی شده است و خدایان قدیم قبیله از طرف مذهب زرتشت به عنوان ارواح شریر معرفی گشته اند. وی قربانی هایی را که به منظور جلب منفعت صورت می گرفت، مردود می شناخت و عقیده داشت اراده ی یک خدای واحد نظم جهان را محفوظ می دارد. (چاپلند، ۱۳۶۷، ص ۲۰۲) و توجهی بیشتر به بعضی موجودات از جمله آب، آتش، گاو، می نماید (همان، ص ۲۴۷)

به نظر می رسد در جهان بینی زرتشت قدرت اهریمنی و اهورایی وجود داشته باشد، ولی اینکه منشأ این دو قدرت به کجا وصل می شود، روشن و صریح نیست. در صورتی که در تفکرات میتراثیسم و زروانیسم، زروان منشأ این دو شمرده شده است. نکته ی دیگر اینکه اصل طبیعت پرستی که در زمان زرتشت و عصر ظهور او محو بوده است، کم رنگتر می شود، ولی اصالت خود را از دست نمی دهد. همان گونه که آتش مورد تقدیس است، انسان مورد توجه زرتشت ارزش و اهمیت بیشتری نسبت به گذشته ی تاریخ پیدا کرده و دارای ویژگی های خاصی است که عنایت به آنها موجب سعادت و پیروزی فردی و اجتماعی می شود. زرتشت تلاش می کند که انسان از طریق بازگشت به خویشتن در روابط اجتماعی، و در نهایت به ایجاد جهانی امن و با صفا دست یابد. به نظر می رسد تفکر و جهت گیری زرتشت، با توجه به عصر وی، سهم ارزنده ای در روند تعلیم و تربیت داشته و توانسته باشد انسان را متقاعد به اتکا بر توانایی های خویش

بنماید و از آن راه، به وی کمک کند تا مشکلات راه پیشرفت خود را حل کند. هر چند در آثار و قضاوت های به جا مانده از او نکاتی مطرح شده است که در امر تربیت انسان می تواند از عوامل بازدارنده محسوب شود، از جمله "دین زرتشت فقط بر عدالت پایه گذاری شده نه بر رحمت و بخشش، لذا آموزش و توبه برای گناه وجود ندارد" (قطب، ۱۳۴۹، ص ۴۰) دیگر تقدیس آتش و عناصر دیگری چون آب و خاک است. (رشاد، ۱۳۶۵، ص ۶۵) یکی از علل مهم رویگردانی از دین زرتشت سختگیری های بیش از حد پیروان و حاکمان زرتشتی نسبت به مردم بوده است. در صورتی که بنای تربیت و اخلاق و زندگی اجتماعی بر فهم و انتخاب احسن استوار است.

۴- هدف های تربیتی

هدف نهایی تربیت عبارت است از رضایت اهورامزدا و اجرای احکام او. از تفکر تربیتی زرتشت اهداف کلی زیر مورد توجه و تاکید است: آبادانی کشور، جامعه ی سالم و موحد، تعاون و کوشش در رفع نیازهای یکدیگر و خودسازی که شامل اخلاق فردی و اجتماعی می شود. اهداف جزئی و رفتاری، شامل پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک می گردد.

از مطالعه و بررسی افکار میترائیسم و زرتشت، می توان چنین استنباط کرد که نگرش های تربیتی سیر تحول داشته است و قهراً آثار اجتماعی بیشتری را هم شامل می گردیده است. در بررسی نگرش های تربیتی بعد از زرتشت، می توان دریافت دقیق تری نسبت به عدم شمول اجتماعی نگرش های مثبت تربیتی یافت که بیشتر ناشی از حاکمان قدرت طلب و نادان به فلسفه ی خلقت بشر می باشد.

اگر افکار زرتشت شکل فرهنگی به خود می گرفت، قهراً بشر به سعادت بیشتری دست می یافت. در صورتی که تفکر زرتشت در دوران تاریخی خودش به صورت ربا از طرف سیاستمداران جلوه می کرده است و بیشتر، حالت مردم فریبی داشته تا تجلی معارف فکری او در جوامع آن عصر.

۵- اصول تعلیم و تربیت

اصول زیر که تحت عنوان اصول تربیتی مطرح شده، برگرفته از کتاب یسنا است که در واقع بیانگر خطی مشی زرتشت است.

۱-۵- اصل اجتماعی بودن انسان: بر اساس این اصل، انسان موجودی است اجتماعی، سعادت و کامیابی او با خوشبختی دیگران تامين می شود. لذا توصیه بر این است: "خوشبخت کسی است که خوشبختی دیگران را فراهم سازد، چنین است خواست و فرمان اهورای چاره ساز. از این روی ما خواستاریم که با نیروی راستی و پایداری نیازهای یکدیگر را برآورده سازیم" (یسنای ۴۳، بند ۱).

۲-۵- اصل آموزش و پرورش همگانی: همانطور که رفع نیازهای همه به وسیله ی یکدیگر تجویز می شود، آموزش دین و پرورش و تکامل افراد برای ایجاد یک جامعه ی پارسا را رکن اساسی می داند. "ای مزدا همان دم که خرد مقدّست در درون کسی راه یافت، نیروی معنوی و منش پاک او پدیدار گردد. آنگاه، پیامبر تو خواهد توانست به او علم دین و دانش مینوی پیامزد تا به وسیله ی این آموزش، کشور پارسایی گسترش یابد و کسی نتواند پیروان تو را از راه درست و پاک منحرف سازد. (یسنای ۴۳، بند ۶). در همین بند، فرمان ارشاد جهانی را مطرح نموده است، ولی عملاً این اصل در جامعه ی ایرانی تحقق پیدا نکرد و آموزش و پرورش مخصوص طبقات خاصی بود.

۳-۵- اصل فعالیت، کار کوشش: "ای مزدا به راستی پاداش گران بهای خود را به کسی خواهی داد که در این کالبد جسمانی و جهان مادی با منش پاک به کار و کوشش پردازد و به آبادانی جهان بکوشد." (یسنای ۴۳، بند ۱۴) و در جای دیگر، رسیدن به هدف در گرو رنج و سختی بردن مطرح شده است. بنابراین، تعلیمات زرتشتی سابق به عمل و همت و فعالیت زندگی است. (رضازاده ی شفق، ۱۳۳۵، ص ۱۳۱) در مکتب زرتشت شاگرد برای رسیدن به هدف فعال است و احساس مسئولیت می کند و معلم هدایت کننده ی شاگردان می باشد.

۴-۵- اصل مخالفت و ارشاد: "آنان که با تمام روح و نیرو به مخالفت و دشمنی با پیروان دروغ برخیزند، به راه راست و آیین نیک تو گام می نهند." (یسنای ۴۶، بند ۵) هرگاه یکی از پیروان راستی، دروغ پرست سنگدلی را به راه راست رهنمونی کرده و به آیین بهی درآورد، براوست تا به دیگر بهدینان آگهی دهد تا آنان چنین کسی را از آزار بد اندیشان نگهداری کنند و یار و یاور او باشند، این است خواست اهورامزدا. ارشاد و رهبری یک وظیفه ی همگانی دانسته می شود و کسی که از این اصل سر باز زند، گناهکار محسوب می شود. (یسنای ۴۶، بند ۶)

۵-۵- اصل آزادی و مداومت بر پرهیز و ضدیت با بدان و همکاری و همزیستی با نیکان: طبق این اصل همه باید به جنگ با بدان برخیزند (یسنای ۴۶، بند ۴) و در گزینش راه نیک مواظب مردم فریبان باشند (یسنای ۳۱، بند ۱۹) و از گفتار دانایان که درمان بخش دردهای زندگی است، استفاده نمایند.

۶-۵- اصل اندیشیدن و آزادی انتخاب بهترین ها: انسان مورد توجه زرتشت موجودی اندیشه ورز است و بایستی از طریق اندیشیدن و تفکر نمودن، به راستی و حقیقت دست یابد (یسنای ۵۳، بند ۳). در یسنای سی و یک بند یازده آمده است "... از آن روزی که در تن آدمی، روح دمید و به او نیروی گفتار و کردار ارزانی داشت، خواست که هر کسی بنا به عقیده و صلاح خویش با آزادی کامل راهی را که بهتر می داند، برای خود برگزیند". هر کس در اظهار عقیده و انتخاب راه نیک و بد آزاد است، ولی در عین حال، خرد مقدس اهورایی پیوسته آماده است، تا آنانی را که در گزینش راه سرگردان و در شک و تردیدند، راهنمایی نماید. (یسنای ۳۱، بند ۱۲)

۷-۵- اصل احترام و توجه به عناصر سودمند: طبق این اصل باید به زمین و بخش های آن و خورشید حیات بخش و عناصر سودمند جهان به دیده ی احترام نگریست. (یسنای ۳۲، بند ۱۰) لذا قربانی حیوانات را ممنوع می نماید و توصیه می کند عناصر اربعه "هوا، آب، آتش، خاک" را نباید آلوده ساخت. (یسنای ۳۲، بند ۱۲)

۸-۵- اصل توجه به ندای وجدان یا سروش: طبق این اصل برای معرفت، به راستی و منشاء راستی باید اندیشید. اهورامزدا در وجود آدمی توان دیدن و تأیید و پذیرش دستورات خود را ایجاد کرده است. لذا باید بر خویشتن تسلط یافت و استعدادهای خود را به کار گرفت و آنها را از بدی دور نگه داشت تا به مقصد غایی دست یافت. در یسنای ۴۳ بند ۱۲ آمده است: "من سخن می گویم از آنچه که مزدای پاک به من آموخت. سخنی که شنیدنش برای مردم بهترین آموزش ها است و آن این که: کسی به پایه ی جاودانگی خواهد رسید که به ندای وجدان خود گوش دهد و بدان ارج گذارد..."

"و هنگامی که به من فرمودی آیین و راه راست را تعلیم دهم، از آن سرنیچیدم و فرمان سروش را به جان شنودم و چون این آیین راستی بود، با کمال میل و جرأت تعلیم دادم، باشد که خود و پذیرندگان این دین کامروا گردیم."

۹-۵- اصل توجه به تربیت مواشی و زراعت: طبق این اصل توجه به رموز و توسعه ی زراعت و تربیت حیوانات جزء فعالیت های آموزشی است. (سایکس، ۱۳۳۰، ص ۱۴۱)

۱۰-۵- اصل تنازع خیر و شر: طبق این اصل بایستی با پرورش خرد و کمک گرفتن از اهورا مزدا بر اهریمن و پلیدی، دروغگویی و پیروان دروغگو پیروز شد. (همان، ص ۱۴۱)

۱۱-۵- اصل اعتقاد به مبدأ و معاد و پل صراط و دریافت کیفر و پاداش: این اصل به عنوان یک نیروی محرک برای انجام کارهای خیر و کنترل و بازداشت اعمال شر، در جریان تربیت به کار گرفته شده است.

به طور کلی، اصول تربیتی مبتنی بر تفکرات زرتشت عملاً تحقق پذیرفت و در لابه لای عبارت باقی ماند، ولی توجه به آنها در حال حاضر مهم و با ارزش است.

۶- روش های تربیتی

روش های تربیتی که زرتشت تجویز می کند، عبارتند از: روش تفکر و استدلال، روش ارتباط بین اندیشه و گفته و عمل. روش علم همراه با عمل و توأم با ایمان. روش عبادی و استمداد از اهورامزدا.

در کتاب یسنا به نکات زیر برمی خوریم که گویای روش های مذکور است. "برای نیرومندی روان، بهترین چیز، ذکر و اندیشه در خاموشی است (همان، ص ۱۴۱) و موضوعات اندیشه را شعار کیستیم و از کجا آمده ایم و به کجا خواهیم رفت (یسنای ۴۳، بند ۱۵)، مطرح می کند. در این راه، از مزدا می باید کمک گرفت (یسنای ۴۳، بند ۱۵) و به وسیله ی خرد مقدس به او نزدیک شد. (همان) در یسنای چهل و چهار، بند هجدهم، ضمن پرورش منش، پرورش حواس را توصیه می نماید و مراحلی که بایستی پیمود و به هدف نهایی رسید، سه مرحله می داند. در مرحله ی اول، خردمندی و پرورش اندیشه به منظور تشخیص راستی را تجویز می کند و در مرحله ی دوم، گفتار را بر اساس یافته های اندیشه جایز می شمارد و در مرحله ی سوم، عمل به گفتارهای مبنی بر اندیشه را تاکید می نماید. (یسنای ۴۳، بند ۱۴)

در جریان تکامل برای دفع موانع تاثیرات اهریمنی، عقل و ایمان چراغ هدایت شمرده شده است. (یسنای ۴۵، بند ۸) و ملاک تشخیص نیک از بد، آیین اهورا و قانون ازلی است. (یسنای ۴۴، بند ۷) با این روش می توان به راستی رسید و از طریق راستی به مقصد نهایی که رسیدن به خدا و پیوستن به اوست، دست یافت.

۷- مراحل تعلیم و تربیت

آموزگاران عصر اوستا، موبدان و آتشبانان بودند و کار عمده ی آنها تربیت کودکان و یاد دادن قطعات مختلف اوستا بوده است. در آیین زرتشت، توجه اصلی به جنبه های اخلاقی معطوف گردیده، لذا تربیت کودکان از ویژگی خاصی برخوردار بوده است.

مراحل تربیت در این عصر عبارت بود از اینکه نخست کودک را متوجه اهورا مزدا و سپس، زرتشت می نمودند. آنگاه نزد موبد می بردند تا خواندن و تعالیم

مذهبی را فرا گیرد. بین سن هفت و پانزده سالگی کمر بند مقدس می بستند و جشن می گرفتند و به علامت سه اصل اساسی پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک، کمر بند را سه دور روی پیراهن مقدس می بستند و این دعا را می خواندند "من اقرار دارم که مزدپرست و زرتشتی با ایمانم و من ایمان دارم به پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک. از این پس کودک عضو جامعه ی بهدینان می گردید و در دوره ی تحصیلی که از ده سال تجاوز نمی کرد، سواری، تیراندازی و نیزه بازی به او آموزش داده می شد. کتابی که محور این آموزش ها بود، اوستا بود و شامل پنج جزوه می شد. (یسنا ی ۴۶، بند ۱۵)

عیب مراحل آموزش های آنها این بوده است که به جریان رشد توانایی های افراد (از نظر عقلی، عاطفی، اجتماعی، جسمانی) در مراحل سنی مختلف توجه نمی کرده اند. نکته ی دیگر اینکه در این مکتب، جایگاه تربیتی زن به وضوح مشخص نشده است. موبدان و آتشبانان به عنوان آموزگاران عصر اوستا، معرفی می گردند و زن نمود برجسته ای ندارد. در صورتی که بیشترین نقش تربیتی را مادر دارد.

۸- تعلیمات و مواد آموزشی

در شناخت تعلیمات و موضوعات آموزشی زرتشت، بایستی به کتاب مقدس اوستا رجوع کرد. این کتاب شامل پنج بخش یا قسمت است: قسمت اول یسنا است که با عظمت ترین کتاب عهد باستان است و درباره ی خالق، جهان و انسان بحث می کند و حاوی نکات تربیتی و اخلاقی معتبری است. علاوه بر اینها، یک اثر ادبی آمیخته از نظم و نثر می باشد.

قسمت دوم یشت ها می باشد. یسنا و یشت ها هر دو از ریشه ی "yaz" که معنای ستودن، نماز و نیایش می دهد، مشتق شده اند. یشت ها تاکید بر موضوعاتی همچون تاریخ، جغرافیا، اساطیر و شاهان، مظاهر طبیعی و عناصر و مراسم می کند.

قسمت سوم ویسپرد (Visparad) که ویسپ به معنی همه و همگی، و رد به معنی سریا رهبر، بزرگ و بالا که جمعاً معنی سروران را می دهد و درباره ی پیشوایان دینی، ادعیه و نماز است.

قسمت چهارم وندیداد (Vandidad) که درباره ی احکام و قوانین می باشد. قسمت پنجم خرده اوستا است که به معنی اوستای کوچک است.

۹- نتیجه

با توجه به مطالب فوق می توان گفت، موضوعاتی که بیشتر مورد توجه آیین زرتشت بوده اند، عبارتند از: خالق، جهان، انسان، تربیت انسان، تاریخ، جغرافیا، طبیعت و عناصر آن، مراسم، پیشوایان، رهبران، احکام و قوانین مربوط به حقوق فردی و اجتماعی، حکومت، فلسفه، بهداشت، زراعت و دامداری.

در این تعلیمات هم توجه به عالم خارج است و هم به خود و اجتماع. برعکس عهد قبل از زرتشت که تاکید بر توجه به خارج است و تقدیس ارباب انواع رواج و رونق دارد، قدرت ارباب انواع کاسته می شود و موضوع های مذکور اهمیت پیدا می کنند. در واقع، انسان عمیق تر و دقیق تر به قضایا و اطراف خود می اندیشد و برخورد منطقی تری با خود و عالم خارج از خود می نماید.

یادداشت ها

- ۱- دئنا در اوستا به معنی دین و آیین و یکی از ارواح انسانی است که در پهلوی و فارسی دین گوئیم. دین همواره به معنی کیش و آیین نیست، بلکه غالباً به معنی وجدان و حس روحانی و ایزدی انسان است. این نیرو را آفریدگار در باطن انسان به ودیعه گذاشت تا همواره او را از نیکی و بدی عملش آگاه سازد.

کتابنامه

- ۱- یسنا، تفسیر و تألیف ابراهیم پورداود، ۱۳۸۰، انتشارات اساطیر، تهران.
- ۲- آشتیانی، جلال الدین، ۱۳۷۴، زرتشت و حکومت، تهران.

- ۳- آموزگار، ژاله؛ تفضلی، احمد، ۱۳۷۰، اسطوره‌ی زندگی زرتشت، کتاب سرای بابل.
- ۴- اصفهانی، رضا، ۱۳۶۹، ایران از زمان زرتشت تا قیام‌های ایرانی، چاپ دوم.
- ۵- چایلد، گوردن، ۱۳۶۷، سیر تاریخ، ترجمه‌ی تاجبخش، تهران.
- ۶- رشاد، محمد، ۱۳۶۵، فلسفه از آغاز تاریخ، انتشارات کتابخانه، تهران.
- ۷- رضازاده‌ی شفق، ۱۳۳۵، ایران از نظر خاورشناسان، مؤسسه‌ی انتشارات فرانکلین، تهران.
- ۸- رضایی، عبدالعظیم، ۱۳۶۸، اصل و نسب دین‌های ایرانیان، چاپ طلوع آزادی، تهران.
- ۹- زرّین کوب، عبدالحسین، ۱۳۶۴، تاریخ مردم ایران قبل از اسلام، امیرکبیر، تهران.
- ۱۰- سایکس، سریرسی، ۱۳۳۰، تاریخ ایران، ترجمه‌ی فخر داعی، تهران.
- ۱۱- فرای، ریچاردن، ۱۳۷۵، عصر زرّین فرهنگ ایران، سروش، تهران.
- ۱۲- فرشاد، ۱۳۶۶، تاریخ علم در ایران، انتشارات سپهر، تهران.
- ۱۳- قطب، ۱۳۴۹، دورنمای رستاخیز در ادیان پیشین و قرآن، ترجمه‌ی غلامرضا خسروی، انتشارات حمیدی، تهران.
- ۱۴- ناس، جان، ۱۳۷۰، تاریخ جامع ایران از آغاز تا به امروز، تهران.